

گپروز

نهادي اسـ

رئيس كل پيشگيرى و درمان اعتيادسازمان

بهزیستی در گفتوگو با «شهروند»

مبارزهبااعتيادخوب

پیشنمیرود **طرح نو|** ســازمان بهزیســتی بزرگترین ســازمان دولتی حمایتی از اقشار آسیب پذیر است که تمام مســئولیت.هایش را با بودجه و

است که تمام مسئولیت هایش را با بودجه و اعتبارات دولتی اجرایی می کند. بهزیستی

نهادی است بسیار گسترده و وسیع که در جای جای کشور به اقشار آسیب پذیر جامعه

خدمات حمایتی و توانبخشی ارایه می دهد؛ خدمات حمایتی و توانبخشی ارایه می دهد؛ سازمانی که بیش از ۱۵۰ مسئولیت دارد، دو اقدام مهم انجام داده تابتوانداز پس این تکالیف

المادم میارنداداد تایکاداز ساین کتالید مهم برآیداول این کسیکه کسیزه نیوری اسلی منحص در سراسر کشور ادار اختیار دارد دوم این کشیکه وسع از بخش های فرید برآتی، سادرادنا دی کمی می کند دکتر فرید برآتی، سده مسئولی است که بیش از - ۲سال در سازمان بیتینی خدمت کرد است. او در گفتو گو با قسهروند ۳ عنوان مورد استناهای جمهم وه دو موقیق

مور د اســــتثناهای جامعه بـــوده و در حقیقت رر ماهیت وجودیاش استثنایی بر قاعده بوده است و قرار هم بر این بود تا خدماتی به افراد

استثنایی بدهداماالان بهزیستی تبدیل به یک قاعده شده است و این به خاطر شرایط اجتماعی و مشکلات متعدد و متنوع مردم

است که مسئولیتهای سازمان هر لحظه دچارفزونییافتن است؛بنابراین طبیعی است

ماھر چە بامنابع محدودو شرايط موجوداقدام كنيم،نتوانيم آنطور كەبايدنمودبيرونى داشتە

باشیم.»بخشهایی از این گفتو گورادر ادامه

. ــئولیتهای بســیاری برای سازمان

بهزیستی تعریف شده که هـر کدام وظیفهای دشـوار بـر دوش ایـن نهـاد

محســوب میشــود. چارچوب وظایف و مسئولیتهای این سازمان بر چه اساسی

طراحى شده و آيا براساس اقتضائات

لىخوانيد

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ | ۱۰ جمادیالثانی ۱۴۳۶ | ۲۹ آوریل ۲۰۱۵ | سال سوم | شماره ۵۵۲ 🖊



اخیــرا رئیسجمهــوری بحــث ـتاجتماعی را مطرح کرد و به صراحت گفت مردم از این ُکه اولویت ها در بر خورد با جرایم رعایت نمی شـود ناراحتند، چراکه منکر اصلی در جامعه فقر، بیکاری، فسـاد و ریا است و موادمخدر و بختران خانواده مهمترین آستیبهای اجتماعی محسوب می شوند که همین آسیبها تهدیدکننده آرامش اجتماعی است.

در این باره بد نیست بگوییم اگر واقعا به آنچه کـه گفته می شـود اعتقـادی وجود دارد بایـد ایـن مطالبات به صـورت قانون درآید و برای کسانی که از اجرای این قانون سرپیچی میکنند، مجازات درنظر گرفته شــود. اگر چنيــن لايحه اي را بــه مجلس د، چه این لایحه تصویب شــود و چه نشود، صرفا مطرحشدن مباحث مربوط به آرامش اجتماعی بـرای مردم در انتخاب نمایندههایشان راهگشاست؛ آنها می فهمند چه کسانی با این قوانین مخالفت می کنند و مسلما آن افراد از لیست انتخاب مردم فنذف خواهند شند. بنيراي مثنال وقتى همچنان بعداز چندین ماه هنوز عاملان قضیه اسیدپاشــــهای اصفهان دســتگیر بحث از آرامش و امنیت اجتماعی در هاله ای از تردید باقی میمانید در موضوع ارتقای امنیت اجتماعی و آرامش اجتماعی باید دولت همان کاری را انجام دهد که نمایندگان مجلس برای بحث امر به معروف و نهی از منکر کردند. نمایندگان مجلس، امر به معروف و نهی از منکر را به صورت قانون در آوردند به طوری که برای همه مردم اجرا میشود. در این مسأله هم چه بهتر که چنین دستورالعملی از طرف قوممجریه که مسئول اجراى قانون است به صورت لايحه مطرح شود.

رب با مطرحشدن این موضوع بهعنوان یک به مسرع مستوی یکی موضی به صوری به سوری به لایحه و طرح از طرف دولت، مجلس اعم از این که آن را تصویب کند یا نکند، خواست و اراده واقعی خود را نشان خواهد داد که این برای ملت بسیار مفید است. اگر اراده جدی وجود داشته باشــد بايد شــاهُد باشيم كه ر . ر نیروهای انتظامی و پلیس فقط در چارچوب قانون کار کنند نه بهعنوان ارشادکنندگان ری را . دینی. بدون شک بزر گترین تهدید برای آرامــش اجتماعی مردم منکرهایی اسـت که معیشت مردم را سُخت کرده است. فقر امالفساد است؛ این گفته من نیست. بزرگان دينمان مي گويند. گرســـنه ايمــان نُدارد. معتاد به هیچ چیزی پایبند نیست. کسی که در جامعه امروز بیکار است و نمی تواند شغل مناسب و درآمد كافي داشته باشد، سرخورده مىشود وخشم خود را در جامعه بر برزیدی شود و سیم تو را در بر بست بروز می دهد. همه ایت معضلات منجر به خشونت می شـود. اگر فساد در میان برخی مسئولان و کسانی که مسـئولیت نهادها و سازمان های مختلف را برعهده دارند، وجود داشته باشد مردم را بیشتر و بدتر جریحهدار می کند. وقتی مردم می بینند که مسئولی الزام اجرای قانون را ندارد، به راحتی قوانین را دور می زند؛ اختلاس های چند میلیاردی ی یشـود و هزاران چیز دیگر، طبیعی که در این شــرایط آنها هم به قانون فاش می است ک پايبندى نشان ندهند و همين عدم پايبندى به قوانين، زمينهساز و مسبب اصلى بر هم خوردن آرامش وامنيت اجتماعي مي شود.





اجتماعی تغییرمی کند؟ بهزیستی یک سازمان اجتماعی و نهادی میں صول انقلاب؛ اگرچہ قبل از انقلاب مشابھی وجود داشت اما این نهادهـای مشَّابهی وجود داش سازمان ساخته شــده انقلاب اسلامی است. اهداف و وظایفی برایش در نظر گرفته شده. تا گروههایی از اقشار جامعه را که به دلایلی احتياج به حمايت داشــتندو بــه اصطلاح به خدمات توانبخشــى و توانمندشدن نيازمند بودند، مانند معلولان و زنان سرپرست خانوار را تحت پوشش قرار دهدامامیدانید به تدریج بعداز سال های ابتدایی پیروزی انقلاب که بحولات اجتماعی زیادی را جامعه ما شاهد بود، فعالیتهای اجتماعی، برنامه ریزی های اجتماعی و سیاست گذاری های اجتماعی جیمیانی و سیست میری کی جامعه لازم جدیدی برای اقشار آسیب پذیر جامعه لازم بود و بهزیستی درواقع تنها سازمانی بود که می توانست این خدمات را انجام دهد؛ بنابراین به طور مستمر فعالیتها و گستره وظایفش افزايشٌ پيداكر دوحتى در موقعيتُ هاى خاص وظايفي كه در بدو امر جزو وظايف بهزيستي نبود هم بنه مستولیتهای این سنازمان .د.برای مثال در ســالهای ۶۲–۶۱ الأراقه ف ار دوگاههای کاری که بــرای معتادین در نظر گرفته شده بودو زیر نظر سازمان زندان ها فعالیت می کرد،به دلیل نوع مشکلاتی که این اردوگاههابا آن مواجه بودند، آنها را هم تحویل بهزیستی دادندیا این که بعداز پایان جنگ، کار بابیماران روانی مزمن و ســاماندهی بیماران روانی مزمن کهاساسادروظایف بهزیستی نبود هم به این سازمان محول شد.

نگاهی 📥

. درون :

«طرحنو

دنبال

۶,

در حال حاضر این سازمان، ۱۵۴ وظیفه سئولیت مختلف دارد که حقیقتا تکلیف و مہ سنگینی بر شانههای یک نهاد است. خوشبختانه سازمان بهزیستی دو اقدام مهم انجام داده که بتوانداز پس این تکالیف مهم برآید. یکی این که شبکه گستره نیروی مهم برآید. یکی این که شبکه گستره نیروی دارد و دوم این که شـبکه وسیع از بخشهای غردو دوم، ین که سبب وسیع را به سنانی غیر دولتی(سازمان های مردم نهاد) بابهزیستی در مسئولیت هایش همکاری می کنند. البته هر دوشبکه نیاز به نوسازی و بهسازی و اصلاح ساختاردارند...

🗸 عكس: شهروذ

مصــر ف تناقض وجــود دار د، ز يـــر ا در حوزه

مصرف برعکس از انسان ها میخواهد. خودابراز گر، خودبیانگر، بدون خویشتنداری

ادامهدر صفحه ۱۱



اسی، هورمون شناسی و... رجوع کر د و از آنان کمک خواست. ۲ درخصـوص علــل جامعه شکل گیری روابط عاشقانه ناپایدار و سیال در حیات اجتماعی امروز انسان حداقل می توان به پنج علت (از منظر برخی نظریههای

18 mg/GSF

و مصرف کننده باشــند. به بــاور ایلوز نتیجه نهایی این ویژگی قلمرو مصرف، حاکم شدن اصل «لذت» بر روابط عاشقانه انسانی است. جامعه شناسی عشق واحساس) اشاره کرد. علت نخست به تأثیر شرایط بیرونی دنیای عشــق و درواقــع نظّم موجــود نظام سرمایهداری بر عشق بازمی کردد. اوا ایلوز، از برجستهترین جامعهشناسان و محققان ر از با عشــق، در کتاب خود بــا عنوان «عشــق و تناقضات فرهنگی سرمایهداری» (این البته عنوان فرعی کتاب است که مین معتقدم از عنوان اصلی آن مهمتر است) در اینباره از عنوان اصلی آن مهم بر است) در این باره این بحث را طرح می کند کـه نظم موجود نظام سرمایهداری دو مشـخصه اصلی دارد: تولید و مصرف حوزه تولید، انســان عاقل و خُانوادهُمــداُر را تبلّيغ مي كندو از انســانَّها مىخواهد عاقل باشــند، كار كنند، خانواده ی بر رسیر کی کردن ، اکنون به یک زن تعلق می گیرد. ادامه در صفحه ۱۱ داشـــته باشـــند و به تربيت فُرزنــد بيرداً;ند اما میان این خواسته های حــوزه تولید در نظــام ســرمایه داری با خواســته های حوزه

ی گویند. ۲ در پاسخ به این پرسش که چه عواملی مه این تغییرات را در روابط انسانی ممکن ساخته است باید به دو دسته عوامل توجه کرد: عوامل یا شرایط بیرونی و عوامل درونی. باید دانست که رابطه میسان جامعه با دنیای روابط عاشقانه انسانی رابطهای «تاحدودی» است. به عبارت دیگر، جامعه یا شرایط اجتماعی تبا حدودی می تواند مسأله تغییر اجتماعی تبا حدودی می تواند مسأله تغییر در روابط عاشیقانه انسبانی از یک منطق درونی نیز برخوردار است که آن را مستقل از جامعه بهعنوان بستر وقوع و شــرایط تحقق بیرونی آن می سازد. در این جا از عوامل احتماعی تبیین کننده تغییرات به وجود آمده در روابط عاشقانه انسانی به عنوان «شـرایط بیرونی عشق» سخن می گوییم و مسائل مربوط به منطق درونی عشق را «شرایط درونی عشق» مینامیم. جامعهشناسی می تواند با ما سخن از شرایط بیرونی عشق بگوید. برای یافتن منطق رسی ، درونی عنی در وزی می مکانیسمهای حاکم بر دنیای درونی عشق و مکانیسمهای دخیل در آن بایسد به علوم دیگر از قبیل فلسفه، روانشناسی، وانکاوی، زبانشناسی،

مصطفیمهر آیین

ات اجتماعی امروز انسانی که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کَیْفی ذهن عمده انسان ها را به خود مشـغول داشته، مسـاله ناپایداری رابه مود مسعول مسته مست دویداری روابط عاشقانه انسانی در نسبت با شکل نسبتا مستحکم پیشـین آن است. پر سش «عشق» اکنون به اشـکال متفاوت همه زنان و مردان را به خود مشـغول ساخته اسـت: تا کی باید با این شـخص بمانـم؟ آیا او همه سرنوشـت المربي عاشقانه من است يا آن كه حق دارم

امروزه، این پرسش ها و پرسش های مشابه در کانُوُن حیّاتُ عمدہ ما انسان ها جای دارد. شاید اکنون بتوان در مقابل آنچے اکتاویو سید عنون بون کر معین کچت مغیری پاز در کتاب «دیالکتیک تنهایی» و اریک فروم در کتاب «هنر عشـق ورزیــدن» از آن بهعنوان «دیالکتیک تنهایی و عشق» سخن

مهم ترین موضوعات در

باز به جستوجوی خود ادامه دهم؟ شور من و پاســخ گفتن به آن مهمتر است یا مصرانه بر

